

گزارش

گزارشی از حذف سگ‌های بی‌خانمان

سگ‌ها بدون بهانه می‌میرند

و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت سگ‌های ولگرد، شیوع بیماری‌های قابل انتقال بین حیوان و انسان، افزایش آن در جمعیت دامی و انسان و انتقال بسیاری از بیماری‌ها از سگ به انسان است و از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به بیماری‌هایی نظیر هاری، کیست هیداتیک، سالک، کالازار، لارواهییم‌هاج ر‌حاشیبیر و سلوزولپتوسپیروز اشاره کرد که به همین دلیل این گروه بر ضرورت اجرای دستورالعمل کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد دبیش ازپیش‌تأکیدیکنند.

این اعتقاد هم بنا به دیده‌ها و شنیده‌ها نزد این گروه تقویت شده است که سگ‌های ولگرد بیشتر مواقع به علیران بی‌توجه و بی‌خبر، حمله کرده و آنها را گزیدند و همین عامل باعث شده است که در موارد مختلفی، سگ‌گزیدگی منجر به مرگ بالخاص در اطفال شود و به موزات آن، آسایش عمومی در شهرها و روستاها با وجود تجمع سگ‌های بی‌خانمان، سلب شود. نمونه‌های دیگری که توسط موافقان بر خورد قه‌ری باسگ‌های بی‌خانمان ذکر شده، این است که آنها را مهم‌ترین عامل آلودگی در پارک‌ها و تفرجگاه‌ها می‌دانند و از این منظر که سگ‌ها دارای قابلیت و پتانسیل تولیدمثلی بسیار بالا هستند، بر خورد با آنها را الزامی ذکر کرده‌اند و این تذکر داده شده است که اگر دستورالعمل کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد و دیگر برنامه‌های کنترل و مبارزه اجراشود، جمعیت آنها به سرعت رشد خواهد کرد که مخاطرات فراوانی برای شهروندان به دنبال خواهد داشت.

براساس این دستورالعمل مرکز کنترل جمعیت حیوانات مزاحم باید دارای محل نگهداری حیوانات مزاحم باشد که در شهرداری‌های دارای مجوز کارگروه استانی ایجاد می‌شود و این محل باید در خارج از محدوده مناطق مسکونی که به تأیید کارگروه شهرستان رسیده باشد مکان یابی شده و واجد مشخصات خاصی باشد.

سگ‌ها از زنده می‌گیرند

در زمینه اجرایی پس از ابلاغ دستورالعمل کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد، شهرداری‌ها به‌عنوان عمل کننده و مجری ابلاغیه وارد کار شده و همان‌طور که پیشتر هم ذکر شد، مرکز به نام مرکز کنترل جمعیت حیوانات مزاحم تأسیس می‌کند. مرکز کنترل جمعیت حیوانات مزاحم دارای واحد زنده‌گیری هم هست که با حضور افراد آموزش دیده شامل کاردان دامپزشکی، نیروی کارگر کارآزموده، مأمور تیرانداز با سلاح بی‌هوشی و دامپزشک به‌عنوان مسئول فنی طرح (مستقر در مرکز کنترل) تشکیل می‌شود و تعداد واحدهای زنده‌گیری براساس گستردگی منطقه مورد عمل، برآورد تعداد سگ‌های ولگرد، اولویت‌های زمانی اجرای طرح و غیره تعیین خواهد شد. برای ایجاد شرایط مناسب قبل از عملیات زنده‌گیری و کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد و بی‌صاحب باید فعالیت‌هایی مانند اطلاع‌رسانی توسط شهرداری و دهیاری مربوطه، مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی و اقدامات پیشگیری شامل واکسیناسیون کزاز و هاری و آموزش اصول بهداشت انجام‌شود.

پس از جمع‌آوری سگ‌های ولگرد از سطح شهر و روستا و انتقال آنها به قفس نگهداری موقت در مرکز نگهداری، عملیات معاینه، تشخیص و تفکیک سگ‌های اصیل و سگ‌های آلوده بر نظر دامپزشک انجام می‌شود و سگ‌های ولگرد آلوده و غیر مفید از سگ‌های اصیل مفید تفکیک و سگ‌های مفید توسط دامپزشک واکسیناسیون و قرظینه‌شده، پس از طی دوره قرظینه، نصب قلابه و شناسنامه‌دار کردن سگ به مراکز یا افراد متقاضی پس از اخذ تعهد از آنها در خصوص نگهداری مناسب حیوان و عدم رهاسازی، انجام دوره‌ای معاینات و مراقبت‌های بهداشتی لازم تحویل می‌شود. سگ‌هایی که به‌عنوان سگ گله به افراد واگذار می‌شوند قبل از واگذاری توسط دامپزشک عقیم‌سازی خواهند شد. براساس این دستورالعمل که به‌عنوان سیاست‌گذاری در زمینه اجرای موارد موجود در آیین‌نامه اجرایی، ذکر شده است ساز و کاری نیز در نظر گرفته شده است که تشکیلات اجرایی برای اجرای این دستورالعمل در چهار سطح ملی، استانی، شهرستانی و اجرایی تشکیل می‌شود.

به‌سروری آنچه دارای اهمیت است مخالفان این دستورالعمل معتقدند در موارد بسیار زیادی، جزئیات آن‌طور که در دستورالعمل نوشته شده به کار نمی‌رود و در موارد بسیار زیادی دیده شده است که سگ‌ها به صورت جمعی کشتار می‌شوند. در این میان جمعیت‌های دفاع از حیوانات مرادی را در دست اجرا دارند که از جمله آنها می‌توان به جمع‌آوری سگ‌های بی‌خانمان در محل‌هایی خارج شهر و نگهداری از آنها اشاره کرد.



حمیدرضا ضلعظیمی

خبرنگار



صدای «وعوه» از دور شنیده می‌شد. صدا چنان دلخراش بود که گمان می‌کردی سگی در غم از دست دادن چیزی یا کسی، آن قدر بی‌تاب شده است. صدا هر لحظه محزون‌تر می‌شد. شاید خیالات من چنین حزن‌رادر صدای سگ می‌شنید اما به نظر می‌رسید واقعا اینطور باشد. «مشدی محمد» هم که پسر دنیادیده‌ای بود، این را تأیید می‌کرد. می‌گفت: «سگ غم داره ضجه می‌زنه انگار. شاید مادر شواز دست داده باشه؛ شاید...»

این را که گفت، دلم آرام گرفت. توی دلم به خودم می‌گفتم: «می‌شه به خودم اعتماد کنم در این زمینه که احساس اطراف‌رامی فهمم؛ حتی اگر آدم نباشه!» بعد «شا» پسر مشدی آمد و گفت: «امروز بعدازظهر، از شهرداری آمده بودن. کلی از سگ‌ها را گرفتن و ریختن توی یک گودال بعد هم مأمور آمد و شروع کرد به شلیک به سگ‌های مادر مرده دست آخر همه را توی همان گودال دفن کردن. ا‌هک ریختن رویشان و بعد هم یک خوراک خا‌ک» مشدی به صحبت درآمد و گفت: «پس بگو سگه کس و کارشواز دست داده که اینطور ضجه می‌زنه»

به حرف‌های مشدی که گوش می‌دادم، ناگهان مردد شدم و این سوال ذهنم را مشغول کرد که مگر سگ‌ها هم چنین احساساتی دارند؟ بعد خودم جواب خودم را دادم چون یادم از دوستی آمد که سگی دارد به نام «بابی»! این که آن سگ احساس دارد یا نه، باید از صاحبش که عرض کنم دوستش به‌رسید اما تا آن‌جا که من دیده‌ام رابطه آن سگ و دوست من شبیه دوست و رفیق است. حتی با هم گریه می‌کنند. «بابی» زمان دلنگنی‌های دوستم، زمانی که او در تنهایی‌هایش مثل هر آدم دیگری دل به دریا می‌زند و گریه سر می‌دهد، پای گریه‌هایش می‌نشیند و در نهایت پهنای صورتش را از باب دلجویی می‌پسند!

بهانه‌های سگ‌کنی

سگ‌ها احساس دارند اما ما انسان‌ها آنها را می‌کشیم. گاهی آنها را مسموم می‌کنیم و به آنها سم می‌خورانیم و گاهی هم تیر مستقیم به سویشان شلیک می‌کنیم. تمام بهانه‌ای که برای این کار داریم، آزار آنها و تهدیدشان برای سلامت است. برای این موضوع، قانون و تبصره هم گذرانده‌ایم. بر این اساس بند ۱۵ از ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، جلوگیری از شیوع امراض سار به‌انسانی و حیوانی و جمع‌آوری حیوانات بدون صاحب و دفع حیوانات مریض، مزاحم و ولگرد را نیز وظایف شهرداری دانسته است. همین تبصره‌ها و مواد قانونی بود که در سال ۸۷، دستورالعمل مقابله با سگ‌های ولگرد را در ۱۲ ماده و ۱۳ تبصره از تصویب ستاد مرکزی کنترل جمعیت حیوانات ناقل بیماری به انسان گذراند. ستادی که اعضای از دفتر امنیتی وزارت کشور گرفته تا نماینده سازمان دامپزشکی ادامه دارد. در میان نام‌هایی که در جلسات ستاد شرکت می‌کنند، از نماینده انجمن حمایت از حیوانات نیز نام برده شده است. به هر روی دستورالعمل کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد، که در ستاد مرکزی کنترل جمعیت حیوانات ناقل بیماری به انسان در سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تصویب شده است، بیستم بهمن ۱۳۸۷ به کلیه شهرداری‌های کشور از نسوی علی‌نکزاد معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در آن زمان، ابلاغ شد.

بنا به گفته کارشناسان و مطلعان امر، این دستورالعمل پس از حدود یکسال جلسات فشرده و بحث و تبادل نظر نمایندگان سازمان‌های عضو ستاد مرکزی کنترل جمعیت حیوانات ناقل بیماری به انسان (به‌عنوان هسته سیاست‌گذار این موضوع) تصویب شده عبارت است از: کنترل بیماری‌های قابل انتقال بین حیوان و انسان از طریق شناسایی کانون تجمع سگ‌های ولگرد و کنترل جمعیت آنها با انتخاب روش مناسب و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی درباره رعایت اصول بهداشتی در مواجهه با حیوانات مزاحم (با اولویت سگ‌های ولگرد).

نظر موافقان

موافقان کشتار سگ‌ها و دستورالعمل کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد، دلایل خاصی برای این همرامی قایلند. آنها می‌گویند: مهم‌ترین معضلات

افتادند؛ آنها در آپارتمان‌ها و برج‌ها، محصور شده‌اند؛ در زندگی به ظاهر مدرن و به واقع زندان، ارتباطشان را با طبیعت از دست داده‌اند. در حالی که اگر ما، آنچنان که در روایات بسیار ذکر شده، ارتباطمان را با طبیعت حفظ می‌کردیم و آنچنان که خداوند در قرآن به ما توصیه و دعوت کرده، در طبیعت سیر می‌کردیم، وضعیتمان اینگونه نبود؛ در آن شرایط، ما‌ها بودیم، ما انسان‌ها را بستیم و لذا این انسان، با به‌دست آوردن کوچکترین آزادی‌ای، همه چیز را برهم خواهد زد.

اخلاق کاربردی طبیعت

و حیوانات در نصایح نهج البلاغه

نکته دوم که ارتباط وثیقی با موضوع این یادداشت دارد، این است که امروزه، در میان انواع و اقسام اخلاقی کاربردی، یک اخلاقی ضروری، مطرح شده است که به نام «اخلاقی محیط زیست»، شناخته می‌شود. گرچه اخلاقی محیط زیست در ایران هنوز رواج پیدا نکرده و ادبیات قوی‌ای ندارد. کاربران اخلاقی کاربردی معتقدند که ما باید با طبیعت بسان انسان رفتار کنیم. بالاتر از اخلاقی کاربردی طبیعت، «اخلاقی عرفانی» در مواجهه با طبیعت است. عرفا، طبیعت را جلوه‌گاه خداوند می‌دانستند و برای همین، به آن سلام می‌کردند! بیماری‌های انسان امروزی، اعم از بیماری‌های جسمی و روحی و روانی، به خاطر فاصله گرفتن انسان از طبیعت است. «طبیعت»، متشکل از درخت و گیاه و جماد و حیوان است. حیوانات مهم‌ترین و نزدیک‌ترین بخش طبیعت به انسان هستند. در متون دینی ما، از لزوم حفظ و نگهداری حیوانات، سخن‌ها و توصیه‌های بسیاری شده است. از جمله این موارد، توصیه‌های اخلاقی حضرت علی (ع) در نهج البلاغه است که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنم.

حضرت علی (ع) در نامه‌ای به یکی از کارگزاران می‌نویسد: «مانند کسی که بر رمله و حیوانات چیرگی و تسلط و قصد آزار و اذیت آنها را دارد بر آنها وارد نشود». در همان نامه، در مورد رفتار با حیوان ماده و فرزندش می‌نویسد: «میان ماده شتر و بچه شیر خوارش جدایی نیفتن، و ماده را چندان ندوشان که شیرش اندک ماند و به بچه‌اش زیان رساند». ایشان در بخشی دیگر از کتاب نهج البلاغه در مورد رفتار عادلانه با حیوانات، به این نکته اذعان می‌کنند: «میان آن شتر مرکوب و سایر شتران عدالت را برقرار ساز و شتر خسته را آسوده گردان و آن را که کمتر آسیب دیده یا از رفتن ناتوان گردیده آرام‌ران».

همچنین حضرت علی (ع) در باب تغذیه حیوانات و سیراب کردن و استراحت دادن به آنها سفارش‌های اکید می‌کند و در بخش‌های مختلف، خطاب به والیان و کارگزاران نصایحی می‌فرماید از این قبیل که حیوانات را گرسنه نگذارید؛ بهترین غذای مورد نیاز آنها را فراهم کنید؛ بیش از اندازه و توان حیوانات، از آنها کار نکشید؛ حیوانی که عمرش را کرده و پیر شده است را کنار نگذارید و دور نیندازید؛ به او غذا بدهید و اجازه دهید باقی عمرش را در سلامتی و صحت و بدون کار کردن، ادامه دهد.

مقابله اخلاقی مند با حیوانات مزاحم

اینها، تنها نمونه‌هایی از توصیه‌های موجود و مکتوب در دین اسلام است که به‌طور اجمالی به آنها اشاره کردم. موارد بسیار زیادی از بسزگان دیگر، در کتب و سایر منابع وجود دارد که همچنان که پیشتر ذکر کردم، مهجور مانده است و افرادی که به ناحق، چنین ایرادها و نقدهایی را به اسلام و ادیان ابراهیمی وارد می‌سازند، توجهی به این موارد نکرده‌اند و نمی‌کنند. در باب رفتار با حیوانات مسودی و مزاحم، حتی اجازه هر عملی تحت هر شرایطی به ما داده نشده است. تنها در یک صورت است که شما می‌توانید مجاز هستید با حیوانات مقابله کنید و آن هم شرایطی است که به شما آزار می‌رساند؛ البته بعد از گذراندن چند مرحله. همچنین، نکته بسیار مهمی که در این رابطه وجود دارد، این است که رفتار ما در قبال حیواناتی که موجب اذیت و آزار ما شده‌اند، باید متناسب با آن وضع باشد.

به‌طور مثال، اگر پشه‌ای ما را نیش زده، ما مجاز نیستیم که ماده‌ای تولید کنیم که همه پشه‌های دنیا را از بین ببرد و بکشد. ما حق نداریم بابت کوچکترین آسیبی که یک حیوان یا هر موجودی به ما می‌زند، حق حیات را از آن موجود بگیریم. ما تنها به همان اندازه، یعنی متناسب با آن ضرر و زیان باید با آن حیوان مقابله کنیم. در روایات بسیار آمده است که اگر امکان دارد، حیوانات مودی را از خود دور کنیم، باید چنین کاری را انجام دهیم و در این شرایط، دیگر محق نخواهیم بود به آنها صدمه‌ای وارد سازیم. نتیجه چنین رفتارهایی نیز تنها به حیوانات باز نمی‌گردد؛ چرا که در فرهنگ دینی ما، تأکید بسیاری بر این شده است که طبیعت، یکی از امانت‌های الهی نزد ماست. خداوند آن را در اختیار ما قرار داده و لذا ما به همان اندازه می‌توانیم و مجاز هستیم در آن دخالت و دخل و تصرف کنیم که صاحب آن -یعنی خداوند- به ما اجازه داده است؛ و نه بیش از آن!



اخلاق مدرن و حقوق حیوانات از نظر گاه حضرت علی (ع)

زمین، مادر شماست!

شرطی در مورد رفتار ناسازگارانه با آن داشته باشد و آن را مجاز بدانند. چرا که هیچ انسان منصفی، مادرش را به سختی نمی‌اندازد؛ چه برسد به آن که شرایط نابودی آن را مهیا کند.

فاصله گرفتن از طبیعت، تجلی خشونت

گفتن چند نکته در این‌جا ضروری است که به آنها اشاره می‌کنم. اول آنکه، در فرهنگ دینی، انسان‌ها باید به کمال برسند؛ کمال، دو جنبه مادی و معنوی دارد که خصوصاً در فرهنگ دینی ما، راه رسیدن به کمال مادی، طبیعت است. یعنی اگر کسی با طبیعت همراه نشود و حسن استفاده را از آن نبرد، از لحاظ فیزیکی و جسمی، به کمال مطلوب نخواهد رسید. ما هر چه داریم، از طبیعت داریم و نیازهای مادی‌مان را از سرفه طبیعت اخذ می‌کنیم. خداوند نیز، میان نیازهای انسان و طبیعت، هماهنگی ایجاد کرده است تا انسان‌ها بتوانند مسیر کمال جسمانی خود را به واسطه طبیعت، طی کنند.

اما از لحاظ روحانی و معنوی، کسانی که از طبیعت جدا شده‌اند، روح آنها هیچگاه مسیر استکمالی خود را پیدا نمی‌کند. چرا امروزه انسان‌ها به این میزان خشن شده‌اند؟ چرا مادی‌گرایی بی‌قید و شرط و سودجویی مطلق، اینگونه بر رفتار و زندگی آدمیان سایه انداخته و زمین‌را سیاه کرده است؟ چون انسان‌ها از طبیعت دور

که این سخن، یک توصیه عمومی و ساده‌بوی است و حفظ و صیانت از محیط زیست است؛ اما امروزه با مشکلات بسیار جدی و مخاطره‌آمیزی که برای طبیعت و محیط زیست و به‌طور عام، برای زمین به واسطه رفتارهای آدمیان به‌وجود آمده است، متوجه عمق این سخن و لزوم و ضرورت صیانت از زمین می‌شویم. همچنین خداوند در قرآن می‌فرماید: «هو انشاکم من الارض واستعمرکم»؛ یعنی، اوست که شما را از زمین پدید آورد و شما را به عمران و آبادانی زمین گمارده؛ این سخن به معنای این است که مأموریت آبادانی زمین را به شما داده است و نه خراب و نابود کردن آن را. حتی نمی‌گوید که نسبت به آن بی‌توجه باشید و صرفاً آن را خراب نکنید؛ بلکه می‌گوید باید زمین را آباد کنید.

اینها مثال‌های کوچکی است که برای ردایردی که به ادیان ابراهیمی وارد ساخته‌اند تا آنها و پیروانشان را به ناسازگاری با طبیعت متهم کنند، به آنها استناد کردم. مثال‌ها و توصیه‌های زیادی در این باب (حفاظت و صیانت از محیط زیست و همچنین لزوم و ضرورت رعایت حقوق طبیعت و حیوانات) ذکر شده است که بسیاری از آنها مهجور باقی مانده‌اند و کسی به اندازه شایسته، به آنها توجه نمی‌کند. نگاهی که زمین را به مثابه «مادر» همه انسان‌ها تلقی می‌کنند، نمی‌تواند نگاه بی‌قید و

بخشعلی قبری

استاد فلسفه و عرفان



پیش از صحبت از لزوم صیانت از محیط زیست و حیوانات -به‌عنوان یکی از اجزای محیط زیست- و رعایت حقوق آنها، ذکر یک نکته، بسیار ضروری می‌نماید. بسیاری از افراد و منتقدان در جایگاه نقد ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، این ادیان و پیروانشان را به ستیزه‌جویی علیه طبیعت و حیوانات متهم کرده‌اند. آنها معتقدند که این ادیان، به علت این‌که به مومنان و پیروانشان اجازه تسخیر جهان را می‌دهند، این افراد، سرسازگاری با طبیعت و حیوانات را ندارند. اما این سخن و نقد به ادیان، وارد نیست. چون به‌رغم این‌که که ادیان ابراهیمی، جهان را در تسخیر انسان می‌داند و این اجازه را به آنها داده است، اما این افراد، بی‌قید و شرط نیست و لذا نمی‌توانیم هر کاری که دلمان خواست، با طبیعت و حیوانات انجام دهیم.

در حدیثی که از پیامبر اسلام نقل شده است، ایشان می‌فرماید: «تحفظوا من الارض فانها امکم»؛ یعنی «از زمین حفاظت کنید که زمین، مادر شماست». پیشتر که اینها را می‌خواندید و می‌شنیدیم، تصور می‌کردیم

۱۱۴ محیط‌بان کشته‌شده

ایران نیز از جمله مناطقی است که به دلایل وجود گونه‌های حیوانی خاص و رو به انقراض، همواره به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مقاصد شکارچیان مورد نظر بوده است و تعداد بسیار بالایی از محیط‌بانان برای حراست از زیست گیاهی و جانوری جان خود را از دست داده‌اند. این در حالی است که ایران همواره با کمبود محیط‌بان نیز مواجه بوده و براساس آخرین آمار اعلامی، حدود ۲هزار محیط‌بان جور حفاظت از محیط‌زیست پهناور ایران را می‌کشند،

در جدال مرگ و طبیعت

به ۱۱۴ نفر افزایش یافته است. مرگ‌ومیر محیط‌بانان توسط شکارچیان غیرمجاز در عرصه تالابی، یک محیط‌بان حفاظت کند که بر این اساس، برای گستره‌ای چون کشور ایران نیاز به ۱۱هزار محیط‌بان وجود دارد. اما براساس آمار اعلامی علیرضا خلیلی، مدیرکل دفتر حفاظت مناطق و امور شکار و صید سازمان حفاظت محیط‌زیست که در سال ۸۹ارایه داده است، تعداد محیط‌بانان کشته شده طی ۳۰سال اخیر در کشور، ۱۱۰ نفر بوده که این آمار براساس گزارش منابع آگاه در حال حاضر

را وادار به استفاده از سلاح می‌کند که پس از آن نیز حمایت‌های لازم برای رهایی از این مشکل برایشان وجود ندارد و مجبور خواهند بود که مدت‌های مدیدی را در زندان بگذرانند یا به قصاص محکوم شوند. در نهایت اما باید وجود ۱۱۴ محیط‌بان کشته شده طی سالیان گذشته، به‌عنوان زنگ خطری برای سازمان حفاظت از محیط‌زیست باشد تا به این وسیله از حق و حقوق این افراد بیش از پیش حفاظت کند و جلوی مرگ بیشتر آنها با حمایت‌های لازم قانونی گرفته شود.